

شیوه برخورد اهل بیت علیه السلام با شبهه

گرد آورنده گان : اعظم مبصری، نسرين يعقوبی، سحر بابایی

مقدمه

دعوی حق و باطل همیشه در جهان وجود داشته است از آن زمان که آدم خلق شد شیطانی هم بود که او را بفریبد، علاوه بر وجود شیاطین جنی و انسی نفس انسان به عنوان بزرگترین دشمن او همواره با تزیین و تسویل او را به سمت باطل سوق می دهد. اغوی نفس و شیطان معمولاً به صورت باطل محض نمایان نمی شود بلکه با آمیختن حق و باطل همراه است به گونه ای که انسان ناآگاه را به اشتباه افکنده و اندک اندک او را به سمت باطل محض میکشاند و از حق دور می کند.

در اهمیت شبهه همین بس که از پایه ها و ارکان کفر شمرده شده است (الکافی 2 باب الکذب ص : 338)

تبعیت از شبهات باعث هلاکت تابعین آن می شود (اصول کافی- ترجمه مصطفوی ج 4 ص 107)

و در حدیثی امام رضا علیه السلام خطر شبهه افکنانی را که ادعای دوستی اهل بیت را هم دارند مهم تر از فتنه دجال دانسته اند:

«الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْخَزَّازِ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَا ع يَقُولُ إِنَّ مِمَّنْ يَنْتَحِلُ مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ فِتْنَةً عَلَى شِيعَتِنَا مِنَ الدَّجَالِ فَقُلْتُ بِمَاذَا قَالَ بِمُؤَالَاهِ أَعْدَائِنَا وَمُعَادَاهِ أَوْلِيَائِنَا إِنَّهُ إِذَا كَانَ كَذَلِكَ اخْتَلَطَ الْحَقُّ بِالْبَاطِلِ وَاشْتَبَهَ الْأَمْرُ فَلَمْ يَعْرِفْ مُؤْمِنٌ مِنْ مُنَافِقٍ

از این رو برای رسیدن به کمال اعتقادی نمی توان تنها به آموزش عقاید حقه اکتفا کرد بلکه باید در هر زمان سلاح مقابله با شبهات اعتقادی را نیز در دست داشت. پیشگیری از وقوع شبهات و نجات انسان ها از ورطه شبهات

یکی از اقدامات مهم و اساسی معصومین در تربیت اعتقادی بوده است. از اثراتی که در نهج البلاغه برای وجود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شمرده شده است یکی هم از بین بردن شبهات است. (نهج البلاغه خطبه 2 ارسله بالدين المشهور و... ازاحه للشبهات) در این فصل نخست به معنای شبهه اشاره می کنیم، سپس ریشه شبهات در کلام معصومین را بررسی کرده و در پایان به سیره ایشان در مقابله با شبهات اعتقادی پردازیم.

چکیده

شبهات عقیدتی گزاره هایی هستند که حق نمایند اما حق نیستند به همین خاطر آنها را شبهه نام نهاده اند. شناسایی این عقاید منحرف که گاهی در قالب بدعت در دین ظاهر می شوند بسیار ضروری است زیرا در احادیث مساوی با کفر شمرده شده است. سیره پیامبر و اهل بیت صلوات الله علیهم در مقابله با این شبهات به صورت : شناسایی ریشه های ایجاد شبهه، سعی در دفع خطر شبهات از جامعه و در نهایت کوشش در رفع این شبهات جلوه گر است. معصومین صلوات الله علیهم با اشاره به ریشه وقوع شبهه ابتدا سعی در پیشگیری از وقوع مومنین در دام شبهات داشتند و اگر انسانی را دچار شبهات می یافتند تلاش در بیرون آوردن او از این ورطه می کردند.

کلمات کلیدی: سیره، پیامبر و اهل بیت، عقاید، شبهات اعتقادی

معنای لغوی شبهه

شبهه در لغت از ماده شبه گرفته شده است و معانی مختلفی را برای آن ذکر کرده اند، که همه آنها همان معنای عرفی فارسی را برای این ماده بیان می کنند، شباهت دو یا چند چیز به یکدیگر به مناسبتی در شکل و صورت یا معنا، به نوعی که تمییز یکی از دیگری گاهی مشکل می باشد. به عنوان استعمال این ریشه در عربی گفته اند (شبه) نام نوعی مس است، به خاطر دوایی که به آن می زنند زرد می شود و چون شبهه طلا است به آن شبه می گویند. (کتاب العين، لسان العرب، الصحاح فی الغه، مقایس الغه، مفردات راغب، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج 6، ص: 11)

امام علی علیه السلام در بیان معنای شبهه می فرماید: « و انما سمیت الشبهه شبهه لانها تشبه الحق (نهج البلاغه خطبه 38)

«بدرستیکه شبهه را برای این شبهه نامیدند که به حق شبهه است. همین معنا از شبهه در این فصل مورد نظر است. در این بحث شبهات اعتقادی به عقاید نادرستی اطلاق می گردند که به علت شباهت داشتن با عقاید حقه برخی انسان ها را به اشتباه انداخته و آن عقاید را حق تصور می کنند.

باید توجه داشت که بحث شبهات فقهی از موضوع ما خارج است و معنای مخصوصی دارد که در فقه از آن صحبت می شود. مثلاً مایعی را که نمی دانند حلال یا حرام است شبهه دار می نامند. همچنین عقاید باطل در صورتی که صریح بیان شوند در دایره شبهات مورد نظر ما قرار ندارند بلکه عقاید باطلی که صورت حق به خود گرفته اند و مومنان را به اشتباه می افکند مورد نظر ما بوده است.

ریشه شناسی شبهات

شناخت اصل و ریشه هر رویداد به فهم آن کمک شایانی می کند. شبهات به عنوان عقایدی که با ذهن و روح انسان ها در ارتباطند اگر درست شناخته شوند و منشا ایجاد آنها دانسته شود آسان تر برطرف می شوند، از این رو اهل بیت در شناساندن ریشه وقوع و ایجاد شبهات تلاش می کردند. در روایات وارده ریشه های شبهه به دو دسته الف- درونی و ب- بیرونی تقسیم می شود.

الف: درونی ب) بیرونی

نفس اماره و مسوله

بزرگترین دشمن انسان نفس اوست که در درون او جای دارد . . علمای اخلاق در بیان انواع نفس به دو نفس مسوله و اماره اشاره نموده اند که آدمی را به زشتی سوق می دهند به این ترتیب که نفس برای گمراهی انسان ابتدا بدی را در نظر او زینت داده و مطلوب جلوه می دهد سپس او را به انجام و اتیان آن عمل ناپسند امر می کند. به این دو نفس در سوره یوسف علیه السلام اشاره شده است. حضرت علی علیه السلام در کلام جامعی ، شبهه را یکی از چهار پایه کفر شمرده اند و برای آن چهار ستون دانسته اند:

«وَالشَّيْئَةُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ إِعْجَابٌ بِالزَّيْنَةِ وَ تَسْوِيلُ النَّفْسِ وَ تَأْوِيلُ الْعُوجِ وَ لَبْسُ الْحَقِّ بِالْبَاطِلِ وَ ذَلِكَ بِأَنَّ الزَّيْنَةَ تَصْدِفُ عَنِ الْبَيِّنَةِ وَ أَنَّ تَسْوِيلَ النَّفْسِ يُقَحِّمُ عَلَى الشَّهْوَةِ وَ أَنَّ الْعُوجَ يَمِيلُ بِصَاحِبِهِ مِيلًا عَظِيمًا وَ أَنَّ اللَّبْسَ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ فَذَلِكَ الْكُفْرُ وَ دَعَائِمُهُ وَ شُعْبَةُ»

و شبهه بر چهار شعبه است: شادمان شدن بزینت (دنیا یا رایهای فاسده ای که نزد خود زینت داده)، و خود آرائی (بأباطیل)، و بازگرداندن کج (را براست بنظر خویشتن)، و در آمیختن حق را باطل، و این برای آنست که زینت انسانی را از بینه (و برهان روشن) باز دارد، و خود آرائی مایه افتادن در شهوت است، و کجی صاحب خود را بانحراف بزرگی بکشاند، و آمیختن حق باطل تاریکیهائی است که رویهم انباشته. اینست کفر و ستونها و شعبه های آن. (نهج البلاغه خ 40)

در این روایت به چهار پایه شبهه اشاره شده است. گرچه هر کدام از این ستون ها وابسته به نفس و اراده انسان است اما سه پایه نخستین ارتباط عمیق تری با نفس انسان دارند و پایه چهارم یعنی درآمیختن حق و باطل ریشه های بیرونی زیادی دارد.

زیبایی های موهوم دنیا خود به خود باعث شگفت زدگی دنیا طلبان می گردد اما اگر با زینت دادن نفس همراه گردد اثر مخرب آن دو چندان می شود. به گونه ای که این حب و دوستی بیش از حد و موهوم، چشم و گوش محب را کر و کور کرده و کجی ها و انحرافات محبوب را نمی بیند از این رو چه بسا باطل را حق بداند و حق را باطل، منکر را معروف پندارد و معروف را منکر، ایمان را کفر انگارد و کفر را ایمان. این است شبهه به عنوان پایه ای از کفر.

ب: بیرونی

اگرچه انسان موجود مختاری است که با اراده خود تصمیم می گیرد اما نمی توان از نقش عوامل تاثیر گزار بر او غفلت نمود. وسوسه های شیاطین جن و انس، بدعت های آشکار و پنهان در دین، عالمان گمراه و... از عوامل مؤثر بر تصمیمات انسان هستند.

1-شیطان

نخستین عامل بیرونی که نقش مهمی در گمراه ساختن انسان داشته و دشمن قسم خورده او محسوب می شود شیطان است. در قرآن کریم اشاره شده است که شیطان تاکید کرده از مقابل و پشت انسان و از جانب راست و چپ به سمت او می آید و برای گمراه ساختن او تلاش می کند. در روایتی از امام باقر علیه السلام از سمت راست آمدن شیطان در این آیه چنین معنا شده است:

رَوَى عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ... وَ عَنْ أَيْمَانِهِمْ أَفْسِدُ عَلَيْهِمْ أَمْرَ دِينِهِمْ بِتَزْيِينِ الضَّلَالَةِ وَ تَحْسِينِ الشُّبْهَةِ (بحار الأنوار ج : 60 ص : 153)

امام باقر علیه السلام فرمودند:... معنای آمدن از سمت راست فساد در دین آنها با زینت دادن گمراهی و نیکو شمردن شبهات در نظر ایشان است.

همسویی زیبای قرآن و عترت می فهماند، همان گونه که نفس انسان با زینت دادن زشتی ها انسان را به ورطه شبهات می افکند شیطان نیز گمراهی و شبهه را در نظر انسان زیبا جلوه می دهد و او را به این طریق گمراه می کند. از اینجا معلوم می شود که کار شیطان هماهنگ با روحیات نفسانی انسان است و چیزی بیشتر از دعوت به خواسته های نفس اماره نیست و تصمیم گیرنده نهایی خود آدمی است.

2- انسان ها

دومین عامل بیرونی که در روایات به آن اشاره شده عامل انسانی است، فهم نادرست از دین و یا ایجاد بدعت های عمدی در مذهب ، نفسانیات و خصومت های انسانی باعث افتادن در شبهه می شود.

شبهه افکنان

همیشه در دنیای دون انسان هایی بوده اند که طمع متاع بی ارزش دنیا چشم دلشان را کور کرده و بندگی شیطان و هوای نفس را بر بندگی خداوند برگزیدند. به رهبری و اطاعت نفس و شیطان بذر بدعت و شبهه را در جامعه پراکنده کرده و عده ای را گمراه می کنند. امام علی علیه السلام اینان را بدترین خلائق شمرده اند که بار گناه دیگران را نیز بر دوش می کشند.

إِنَّ أَبْغَضَ الْخَلَائِقِ إِلَى اللَّهِ رَجُلَانِ رَجُلٌ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ فَهُوَ جَائِرٌ عَنْ قَصْدِ السَّبِيلِ مَشْغُوفٌ بِكَلَامٍ بَدْعَةٍ وَ دَعَاءٍ ضَلَالَةٍ فَهُوَ فِتْنَةٌ لِمَنْ افْتَتَنَ بِهِ ضَالٌّ عَنْ هُدًى مَنْ كَانَ قَبْلَهُ مُضِلٌّ لِمَنْ افْتَدَى بِهِ فِي حَيَاتِهِ وَ بَعْدَ وَفَاتِهِ حَمَالٌ خَطَايَا غَيْرِهِ رَهْنٌ بِخَطِيئَتِهِ (نهج البلاغه خطبه 17 ص 18)

دشمن ترین آفریدگان نزد خدا دو کسند: مردی که خدا او را به خود وانهاد، و او از راه راست به دور افتاده، دل او شیفته بدعت است، و خواننده مردمان به ضلالت است. دیگران را به فتنه در اندازد و راه رستگاری پیشینیان را به روی خود مسدود سازد. در مرگ و زندگی گمراه کننده پیروان خویش است و برگیرنده بار گناه دیگران، و خود

امام باقر علیه السلام فرمودند: همرازی از غیر خداوند برای خود نگیرید که از ایمان فاصله می گیرید، پس بدرستی که هر [رابطه] سببی و نسبی و خویشاوندی و هم رازی و بدعت و شبهه ای گسسته می گردد مگر [رابطه ای] که قرآن آن را اثبات نماید. در این روایت به وضوح شبهات ارجاع به قرآن شده اند.

معلوم است که هر ذهن ناآماده و ناآشنایی نمی تواند از معارف عمیق قرآن بهره مند شود و این به میزان پاکی و طهارت نفس و تلاش علمی و استعدادهای خدادادی وی بستگی دارد.

امامان نیز به عنوان ثقل اصغر و عدل قرآن سرچشمه های نور و رافع تاریکی های شبهات هستند. امام علی علیه السلام در توصیفی از ائمه، ایشان را چراغ هدایت و راهنمای شبهات شمرده اند. (- نهج البلاغه خ 222 کَانُوا كَذَلِكَ مَصَابِيحَ تِلْكَ الظُّلُمَاتِ وَ أَدِلَّةَ تِلْكَ الشُّبُهَاتِ)

در حدیثی امام باقر علیه السلام مؤمنینی را که امکان دسترسی به امام معصوم برایشان فراهم است در هنگام مواجهه با شبهات امر به رجوع به اهل بیت نموده اند:

«فِي وَصِيَّةِ أَبِي جَعْفَرٍ أَنَّهُ قَالَ وَ إِنِ اشْتَبَهَ الْأَمْرُ عَلَيْكُمْ فَقِفُوا عِنْدَهُ وَ رُدُّوهُ إِلَيْنَا حَتَّى نَشْرَحَ لَكُمْ مِنْ ذَلِكَ مَا شَرَحَ لَنَا (-الأمالي للشيخ الطوسي ص 231)

در وصیت امام باقر علیه السلام آمده است که ایشان فرمودند: هنگامی که امر بر شما مشتبه شد توقف کرده و آن امر را به ما ارجاع دهید تا از علمی که به ما داده شده است شرح آن را برایتان بیان کنیم. در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز مشاهده می شود که ایشان امام علی علیه السلام را زایل کننده شبهات و تبیین گر آنچه بر مردم مشتبه شده است دانسته اند و مردم را در غدیر خم امر به رجوع به ایشان بعد از خود کرده اند.

دَفَعَ النَّبِيُّ ص الرَّأْيَةَ يَوْمَ خَيْبَرَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع فَفَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَوْفَقَهُ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ فَأَعْلَمَ النَّاسَ أَنَّهُ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ... وَ قَالَ لَهُ أَنْتَ تُبَيِّنُ لَهُمْ مَا اشْتَبَهَ عَلَيْهِمْ بَعْدِي (-الأمالي للشيخ الطوسي ص 351)

پاسخ گویی به شبهات

یکی از راه کار هایی که اهل بیت در برابر مومنان قرار دادند رجوع به خود اهل بیت برای شبهه زدایی بود. این امر به رجوع همراه با استقبال عملی از پرسش گران همراه بود به گونه ای که شیعیان به راحتی مشکلات اعتقادی خود را با ایشان در میان می گذاشتند. توجه به سؤالی که در میدان جنگ از امام علی علیه السلام درباره توحید

شد نمونه بارز این استقبال از سوال است.

سیره اهل بیت در پاسخ به شبهات اعتقادی دو گونه بوده است . روش اول که به دنبال مراحل پیشین می آید رجوع دیگران به ایشان و دریافت پاسخ شبهات خود بوده است . اما شیوه دیگری که ایشان داشتند رفع شبهات بدون درخواست دیگران بوده است ، زیرا که می دیدند بسیاری از مردم نسبت به بدعت ها و شبهاتی که آنها را فراگرفته است غافلند، از این رو شخصا به دفاع از حریم دین اقدام کرده و در رفع شبهات می کوشیدند.

به نمونه هایی از هردو روش اشاره می شود:

در آنهنگام که به سبب جنگ جمل به نزدیکی بصره رسیده بودند، جمعی از اهل بصره سفیری را نزد حضرت فرستادند تا حقیقت امر برایشان معلوم شود و شبهه از قلبشان بیرون رود و تشخیص دهند از میان حضرت و اصحاب جمل کدام بر حقند

«وَقَدْ أَرْسَلَهُ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ لَمَّا قَرَّبَ عَ مِنْهَا لِيَعْلَمَ لَهُمْ مِنْهُ حَقِيقَةَ حَالِهِ مَعَ أَصْحَابِ الْجَمَلِ لِيَتَزَوَّلَ الشُّبْهَةُ مِنْ نَفُوسِهِمْ فَبَيَّنَ لَهُ عَ مِنْ أَمْرِهِ مَعَهُمْ مَا عَلِمَ بِهِ أَنَّهُ عَلَى الْحَقِّ (نهج البلاغه - خ 170)

حضرت فرستاده ایشان را پذیرفت و با او به گونه ای صحبت نمود که دریافت امام بر حق هستند، نه اصحاب جمل.

نمونه دیگر از امام صادق علیه السلام بیان می شود، هنگامی که از ایشان درباره شبهه غلو که برخی گرفتار آن بودند سؤال شد.

«عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ إِنَّ قَوْمًا يَزْعُمُونَ أَنَّكُمْ آلُ اللَّهِ يَتْلُونَ عَلَيْنَا بِذَلِكَ قُرْآنًا يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوْا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ قَالَ يَا سَدِيرُ سَمِعِي وَبَصْرِي وَشَعْرِي وَبَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي مِنْ هَؤُلَاءِ بَرَاءٌ بَرَاءٌ اللَّهُ مِنْهُمْ وَ رَسُولُهُ مَا هَؤُلَاءِ عَلَى دِينِي وَ دِينِ آبَائِي وَ اللَّهُ لَا يَجْمَعُنِي وَ إِيَّاهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِمْ سَاحِطٌ قَالَ قُلْتُ فَمَا أَنْتُمْ جُعِلَتْ فِدَاكَ قَالَ خُزَّانُ عِلْمِ اللَّهِ وَ تَرَاجِمُهُ وَحْيِ اللَّهِ وَ نَحْنُ قَوْمٌ مَعْصُومُونَ أَمَرَ اللَّهُ بِطَاعَتِنَا وَ نَهَى عَنْ مَعْصِيَتِنَا نَحْنُ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ عَلَى مَنْ دُونَ السَّمَاءِ وَ فَوْقَ الْأَرْضِ (رجال الكشي

ص 306)

ترجمه: راوی می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: گروهی می پندارند شما خداييد و آیه قرآن را شاهد میآورند "ای پیامبران از پاکیزه ها بخورید و عمل صالح انجام دهید من به آنچه انجام می دهید آگاهم" . ایشان فرمودند: ای سدير ، گوش و چشم و مو و پوست و گوشت و خون من از آنان بيزار است و خدا و پیامبرش از

اینان بیزارند، اینان هم کیش من و پدران من نیستند قسم به خدا من و ایشان در روز قیامت با هم جمع نمی شویم مگر اینکه خدا بر آنان غضب ناک است . من پرسیدم پس شأن شما چیست ؟ فرمودند: جایگاه علم خدا و مفسران وحی خدا هستیم و ما ائمه گروهی معصوم هستیم که خدا امر به اطاعت از ما کرده و از مخالفت با ما نهی فرموده است ما حجت بالغه خدا بر همه کسانی که زیر آسمان و روی زمینند هستیم.

در این روایت امام علیه السلام علاوه بر ابراز براءت از شبهه ای که برخی نسبت به ایشان پیدا کرده بودند، واقعیت حقیقی را نیز بیان کردند و این کامل ترین نوع برخورد با شبهات است . اول رفع شبهه و انکار آن و دوم بیان حق در مساله.

در این دو نمونه معصومین پاسخ گوی شیعیان در رفع شبهه بودن اما اشاره شد که درشرایطی نیز بطور ابتدایی و بدون پرسش به رفع شبهه اقدام می کردند. به نمونه ای از این روش نیز اشاره می شود.

در زمان امام رضا علیه السلام گروهی از غالیان نسبت هایی به ائمه می دادند که از صفات الهی بود. در مجلسی که یکی از این غالیان حضور داشت حضرت لب به سخن گشوده و فرمودند:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدِ الطَّبْرِيِّ قَالَ كُنْتُ قَائِمًا عَلَى رَأْسِ الرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عِ بَخْرَاسَانَ وَ عِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ مِنْهُمْ إِسْحَاقُ بْنُ الْعَبَّاسِ بْنِ مُوسَى فَقَالَ لَهُ يَا إِسْحَاقُ بَلِّغْنِي أَنَّكُمْ تَقُولُونَ إِنَّ النَّاسَ عَبِيدٌ لَنَا لَا وَ قَرَابَتِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص مَا قُلْتُهُ قَطُّ وَ لَا سَمِعْتُهُ مِنْ أَحَدٍ مِنْ آبَائِي وَ لَا بَلِّغْنِي عَنْ أَحَدٍ مِنْهُمْ قَالَهُ لَكِنَّا نَقُولُ النَّاسُ عَبِيدٌ لَنَا فِي الطَّاعَةِ مَوَالٍ لَنَا فِي الدِّينِ فَلْيُبَلِّغِ الشَّاهِدَ الْغَائِبَ

محمد بن زید طبری می گوید من در خدمت امام رضا ایستاده بودم و گروهی از اهالی خراسان که اسحاق بن عباس بن موسی نیز بین آنها بود نزد امام بودند. امام به اسحاق فرمودند: به من خبر رسیده که شما می گوئید مردم بنده ائمه هستند [مانند بندگی در برابر خدا] . قسم به خویشاوندیم با رسول خدا هرگز چنین نگفته ام و از هیچ یک از پدران خود چنین نشنیده ام و خبرش هم برایم نقل نشده است . ولی ما می گوییم مردم بنده ما در اطاعت از ما [به اذن خدا] هستند دوستان ما در دین هستند . پس حاضران به غایبان این سخن را برسانند.

در این روایت امام علیه السلام علاوه بر زایل کردن شبهه از جمع حاضر در برابر حضرت آنها را امر فرمودند که این بیان روشن گر را به غایبان از آن مجلس اطلاع دهند، که اهمیت شبهه زدایی درسیره ایشان را بخوبی نمایان می سازد.

نتیجه گیری

نهال اعتقادات آنگاه به درخت تناوری تبدیل خواهد شد که از دسترس آفت شبهات دور بماند. معصومین صلوات الله علیهم با درک کامل از اثر مهلک شبهات با روشن گری سعی در حفظ اعتقادات اصحاب خویش داشتند. نخست به بیان ریشه های شکل گیری شبهه پرداخته و پایه های آن را در نفس انسان دانستند که زشتیها را در نظر انسان جلوه می دهد شیطان نیز از بیرون به این وسوسه ها دامن زده و اغواگری می کند. عوامل انسانی مانند خصومت ها و گفتار شبهه پراکنان و جاهلان عالم نما نیز در آمیختگی حق و باطل و ایجاد شبهات مؤثر است.

پس از شناساندن ریشه های ایجاد شبهه که نفس و شیطان و اجتماع بودند، پیامبر و اهل بیت صلوات الله علیهم از روش هایی برای دفع و رفع شبهات استفاده می کردند.

روش های دفع شبهه که به مقابله با شکل گیری شبهات کمک می کنند عبارتند از:

الف- دعا و درخواست از خداوند که هدایت از ناحیه اوست.

ب- تشویق به تفقه و دست یافتن به فهم عمیق از دین.

ج- عرضه عقاید بر معصوم برای تایید این عقاید و نفی شبهه از آن ها.

د- زمینه سازی برای تغییر شرایط به نحو صحیح که عقاید درست در آن رشد یابند و عقاید باطل مجال بروز نیابند.

این روشها به دفع خطر شبهات می انجامیدند اما اگر شبهه به هر دلیلی شکل گرفت سیره پیامبر و اهل بیت صلوات الله علیهم بر رفع شبهات بوده است. ایشان در این باره روش هایی را بکار می بردند که عبارتند از:

الف- توقف هنگام رویارویی با شبهات.

ب- رجوع به منابع اصیل دینی یعنی قرآن و سنت.

ج- عرضه عقاید بر معصوم برای تایید این عقاید و نفی شبهه از آن ها.

منابع:

پرتال جامع پژوهش تبليغ- پژوهشكده باقر العلوم عليه السلام <http://rcb.ir/%D8%B3%DB%8C%D8>

گروه فرهنگي الميزان <http://lobolmizan.ir/post/1112>